

## سیری در اندیشه سیاسی و اجتماعی پروین اعتصامی

دکتر محسن مدیر شانه چی [modir\\_shanechi@yahoo.com](mailto:modir_shanechi@yahoo.com)  
استادیارگروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

### چکیده

در این مقاله با تقسیم شاعران به سه نحله کلی سیاست پردازان، سیاست گریزان و شاعران متعهد از منظر نسبت شعر و اندیشه سیاسی آنان، به جستجوی اندیشه‌ها و رویکردهای سیاسی و اجتماعی پروین اعتصامی از خلال اشعار او می‌پردازیم و نمونه‌هایی از شعر سیاسی و اجتماعی او را در این عرصه‌ها تقسیم بندی و ارائه می‌کنیم. آن‌گاه با نقل آرا و داوری‌های ناقدان و صاحب نظران در باب اندیشه‌ها و مواضع متجلی در سروده‌های پروین، این داوری‌ها را نیز در سه دسته کلی قرار می‌دهیم. برخی پروین را فاقد اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی مشخص و منسجم و افکار او را در مجموع گذاشته‌گرا، ایستا، سستی، محافظه‌کارانه و غیر انقلابی خوانده‌اند. بعضی متقابلاً وی را نوگرا، زمان شناس، تحول‌خواه، پیکار جو و انقلابی دانسته‌اند، و سرانجام جمعی در میانه این دو طیف با نگاهی بینابینی و متعادل تر به درون مایه‌های سیاسی و اجتماعی شعر پروین نگریده‌اند و احياناً نوعی دوگانگی، ابهام و تناقض در آن یافته‌اند. مدعای این مقاله آن است که پروین اعتصامی را نه شاعری سیاست پرداز و سیاسی سرا و نه سراینده‌ای سیاست گریز و فارغ از دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی، بلکه شاعری متعهد می‌توان خواند و سروده‌های او نیز واجد یگانگی و یکسره تجلی تعهد شاعر و نمود متناسب آن به نسبت مقولات مختلف اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است.

واژه‌های کلیدی: شعر، تعهد، اندیشه سیاسی، فلسفه سیاسی، نظریه سیاسی

## مقدمه

در باب نسبت اندیشه سیاسی و شعر، شاعران را به سه گروه می توان تقسیم کرد: شاعران سیاست پرداز و احیاناً مبارز یا حزبی، شاعران فارغ از دغدغه های سیاسی، و سرانجام شاعرانی که گرچه مشخصاً در شمار شاعران سیاسی شناخته نشده اند و مکتب و ایدئولوژی و گرایش سیاسی یا حزبی خاصی نیز ندارند، اما گاه حتی بیش از دو گروه نخست، بازتابنده مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی عصر خود و بازگو کننده دردها و حرمان های جامعه و مردم خویش اند. این دسته سوم که از آنان با عنوان شاعران متعهد می توان یاد کرد، شعر خود را گاه با همه جمال و کمال آن، نه در مقام طرح ذهنیات، احساسات، تمنیات و خواسته های شخصی، که به خدمت نمایاندن واقعیت ها و عینیت های تلخ اجتماع و سیاست و اخلاقیات زمانه خویش و ساختن دنیایی بهتر و انسانی تر گرفته اند. در میان این سه طیف کلی از شاعران، پروین اعتصامی را باید در شمار گروه اخیر دانست.

## شعر پروین و اندیشه های سیاسی اجتماعی او

در این مقاله، در میان اشعار پروین به جستجوی اندیشه های سیاسی و اجتماعی او و بازیابی این اندیشه ها در عرصه ها و حوزه های گوناگون این قلمرو می پردازیم. دردها و دغدغه های بی کران و کم نظیر پروین به مسائل اجتماعی و حتی سیاسی از یک سو و عدم سمت گیری های مشخص و منسجم سیاسی، مذهبی، طبقاتی، حزبی و ایدئولوژیک از دیگر سو، به داورری ها و دیدگاه های متفاوت و گاه متعارضی در تحلیل شعر او از منظر سیاسی و اجتماعی انجامیده است. طبقه بندی پیشگفته از حیث نسبت شاعران و شعرشان با اندیشه های سیاسی به سه گروه یا طیف سیاست پردازان، سیاست گریزان و شاعران متعهد و قرار دادن پروین اعتصامی در نحله سوم، شاید توضیحی بر چرایی وجود آرای متعارض در باب شعر پروین باشد.

با کاوشی در مفاهیم پربسامد اشعار پروین اعتصامی، این مقولات را می توان برشمرد: محبت، مهر مادری، اخلاق حسنه، ایمان به خدا، خدمت به خلق، گذشت و مدارا، فداکاری و از خودگذشتگی، صبر و استقامت، سازگاری و قناعت، مناعت طبع، پرهیز و تقوی، پاکی و راستی، اخلاص و آزادگی، ادب و مکارم اخلاق، دانش و معرفت، علم و حقیقت، فضل و ادب، عقل و خرد، سعی و عمل، عزم و همت، کار و کوشش، تدبیر و بصیرت، عاقبت اندیشی، عبرت آموزی، تجربه اندوزی، روشن بینی، ارزش دل و ستایش جان، دم غنیمت

شمردن، بی اعتمادی به دنیا، بی وفایی روزگار، بی اعتباری و بی ثباتی جهان، زودگذری عمر، فریب دنیا، تغییر ناپذیری و خمیره ذاتی افراد، اعتقاد به بخت و قضا و قدر در عین حق طلبی و گاه صبر و سکوت نکردن، گوشه گیری و عزلت و اعراض از دنیا در عین رسیدن به حال و کار خلق، زبردست نوازی، همدردی با درماندگان و ناتوانان، مذمت نفس و نفس پرستی، تن و جسم، تن پروری و تن آسایی، تنبلی و کاهلی، بخل، حرص و آز و طمع، هوی و هوس، غرور و مستی، سرخوشی و کامرانی، خودبینی و خودرایی و خودکامی، عجب و خودپسندی، خود فریبی، غفلت و گمراهی، جهل و نادانی، غرور، کژی و پستی، بخل، دورویی، بد عهدی و مردم آزاری.

در جستجوی مفاهیم و ساحت های اصلی اندیشه سیاسی و اجتماعی پروین اعتصامی نیز این مقولات را در شعر او می توان یافت: حق طلبی، همکاری، اتحاد و اتفاق ستمکشان و رنجبران، دفاع از رنجدیدگان و ستم کشیدگان، نکوهش ستمگران و ظالمان، دفاع از زن، عدالت، مساوات، نکوهش ظلم و بی عدالتی.

پرداختن به مقولاتی اجتماعی چون فقر، تبعیض، ستم، اجحاف، ربا، سالوس، تزویر، ارتشا، فساد، رباخواری و دیگر نابسامانیها و نارواییهای جامعه در شعر یا هر سخن دیگری اگر چه نقطه عزیمت سخنور برای تعهد اجتماعی و شرط لازم برای متعهد خواندن اوست، شرط کافی نیست. بدیهی است بسیاری از شاعران و سخنوران در شعر و اثر خویش اساساً به چنین مقولاتی پرداخته اند؛ اما صرف به تصویر کشیدن مقولات اجتماعی و توصیف آنها، به منزله تعهد اجتماعی یا سیاسی گوینده آن یا داشتن اندیشه سیاسی و اجتماعی در او نیست. آن گاه که سخن از چرایی این نارواییها و زمینه های پیدایش آن و نیز نحوه تعامل و راههای مقابله با آن به میان می آید، اندیشه سیاسی و اجتماعی سخنور نمایانده می شود و احیاناً می توان او را در شمار شاعران و سخنوران متعهد قرار داد. در اینجا است که دو نحله می تواند شکل گیرد: یکی با تکیه به ایدئولوژی و چارچوب فکری و ذهنی مشخص و از پیش تعیین شده و دیگری فارغ از آن. در نحله نخست، شاعر سیاسی پرداز جای می گیرد که مقید به ایدئولوژی سیاسی و اجتماعی خاصی است و در نحله دوم شاعر متعهد قرار می گیرد. پروین اعتصامی را چنان که گفتیم در میان سه دسته شاعران سیاست گریز و فارغ از اندیشه سیاسی و اجتماعی، شاعران سیاست پرداز و شاعران و سخنوران متعهد در دسته اخیر می توان جای داد.

پروین را می توان واجد اندیشه سیاسی دانست؛ اما با قاطعیت می توان گفت که وی فاقد فلسفه سیاسی بوده است و نسبت دادن هر گونه فلسفه سیاسی یا نظریه سیاسی به او درست نمی نماید. به نوشته لئو اشتراوس، فلسفه سیاسی را باید از اندیشه سیاسی به طور کلی فرق گذارد ... اندیشه سیاسی تأمل درباره آرای سیاسی یا ارائه تفسیری از آنهاست ... هر فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی است اما هر اندیشه سیاسی فلسفه سیاسی نیست. اندیشه سیاسی فی نفسه نسبت به تمایز میان گمان و معرفت بی تفاوت است اما فلسفه سیاسی کوششی است آگاهانه، منسجم و خستگی ناپذیر برای نشان دادن معرفت نسبت به اصول سیاسی به جای گمان درباره آن ها (اشتراوس، 1373، 54).

در باب برخورداری شاعران و سخن پردازانی چون پروین اعتصامی از اندیشه اجتماعی و حتی مشخصاً اندیشه سیاسی، نوع مسائلی را که اینان به آن پرداخته اند، می توان ملاک قرار داد. تشخیص سیاسی بودن یا نبودن مسأله آن گونه که توماس اسپریگنز بیان می کند، مسائل عام در مقابل مسائل انفرادی است. پرسشی که اسپریگنز درباره تمیز سیاسی یا غیرسیاسی بودن ریشه مسأله طرح می کند، این است که آیا این مشکل، مسأله ای عام و اجتماعی است یا فردی و سلیقه ای؟ آیا مشکل خرابی نظام است یا مسأله لاینحل فردی؟ آیا ریشه مشکل در اوضاع سیاسی جامعه است یا از اختلالات عصبی ناشی شده است؟ (اسپریگنز، 1370: 94). با مروری در اشعار پروین و نسبت یا بسامد بن مایه های مقولاتی که در این اشعار به آن پرداخته شده است، به وضوح جنبه های سیاسی اشعار وی نمایان و برجسته می شود.

در عین حال برخی از مباحثی را که از گذشته تاکنون در فلسفه سیاسی مطرح بوده است، در خلال اشعار پروین می توان یافت. عدالت توزیعی یا رعایت عدالت و انصاف در توزیع منابع و امکانات که از منظر جین همپتون در توضیح گستره مقولات مرتبط با فلسفه سیاسی در زمره حدود فرمانروایی سیاسی عادلانه محسوب می شود (همپتون، 1380: 213)، در جای جای اشعار پروین اعتصامی در ساحتی گسترده و ژرف کاوانه مورد توجه است.

پروین اعتصامی در نگاه عدالت جویانه خویش و در جستجوی جامعه ای عادلانه و انسانی بهره مند از مواهب و کرامت های درخور او، در اشعار خود بارها از ظلم و جور و ستم و تعدی، و فقر و نابرابری از یک سو و عدل و مساوات و مردمی از دیگر سو سخن می گوید.

با این حال در پس این سروده ها و در جهان بینی او از هیچ یک از ایدئولوژی ها، آموزه ها یا مکتب های سیاسی نشان مشخصی دیده نمی شود. در شعر پروین اعتصامی و اندیشه های سیاسی و اجتماعی او تقریباً به هیچ یک از مقولاتی که برخی شاعران هم روزگار او - یا پیش

و پس از وی - پرداخته اند، پرداخته نشده است و از موضوعاتی چون دولت و جایگاه آن، تشکّل و تحزّب، وطن، ملیّت، استعمار، ناسیونالیسم، انترناسیونالیسم، اومانیزم، لیبرالیسم، سوسیالیسم و دیگر مقولات و مکاتب سیاسی نشان مشخصی به تصریح یا تلویح دیده نمی شود.

در اندیشه سیاسی پروین اعتصامی همچنین مقولاتی چون قدرت سیاسی و توزیع آن و نیز دموکراسی یا دیکتاتوری و واژگانی چون آزادی - سلبی یا ایجابی - غایب است. پروین در غالب اشعار خویش در جستجوی سعادت انسان است اما تقریباً در هیچ یک از این اشعار از مفاهیمی چون آزادی افکار و مباحثات یا آزادی عقیده و آزادی بیان آن عقیده که به اعتقاد جان استوارت میل لازمه سعادت فکری بشر است (میل، 1363 : 140)، سخنی به میان نیامده است. در عین حال اگر آزادی را آن گونه که کریستیان دلا کامپانی می گوید مترادف تحمل، مدارا و تساهل بدانیم (دلا کامپانی، 1382 : 11 و 13)، مفهوم آزادی را به گونه ای غیرمستقیم در اشعار پروین می توان سراغ گرفت. از نگاه بسیاری از متفکران سیاست از جمله دلا کامپانی، دموکراسی در سه اصل آزادی، عدالت و تفکیک قوا خلاصه می شود (دلا کامپانی، 1382 : 12). بر این اساس، در اشعار پروین و افکار متجلی در آن، از آزادی به گونه ای غیرمستقیم و عدالت و مفاهیم مترادف با آن مستقیم و به تصریح بارها و بارها یاد شده است.

پروین را چنان که دیدیم، فاقد ایدئولوژی به معنای مصطلح آن می یابیم. با این حال وجوه نظریه ای را در رویکردهای اجتماعی او می توان دید که گاه از آن به ایدئولوژی نیز یاد شده است. دیوید گوتیه از نظریه قراردادهای اجتماعی به مثابه ایدئولوژی سخن می گوید و در توضیح قرارداد اجتماعی به روابط میان اشخاص و میان جامعه و اعضای آن و توجیه حقوق و وظایف، نهادها و اعمال اشاره می کند (گوتیه، 1381 : 88 و 89). ابعاد و وجوه این نظریه یا به تعبیر گوتیه این ایدئولوژی را به وضوح در خلال بسیاری از اشعار پروین اعتصامی، رویکردهای اجتماعی و دیدگاه ها و داوری های وی و روابط و مناسبات موجود و مطلوب از نگاه او می توان یافت.

اینک به بررسی عمده ترین مقولات سیاسی اجتماعی در شعر پروین اعتصامی می پردازیم. پروین در بسیاری از اشعار خود چهره فقر و محرومیت را با همه ابعاد و ویژگیها و جوانب آن به تصویر می کشد و در برخی شعرهایش با ریشه یابی و تحلیل این پدیده، نقش نهان و آشکار فقر آفرینان و سودجویان را در چهره های مختلف و گاه ظاهر الصلاح بر ملا

می سازد . پروین اغنیا و صاحبان قدرت را عامل فقر و سیه روزی محرومان و رنجبران می داند و برخی متشرعان ، قاضیان و دیگر صاحبان جاه و مکنت را شریک آنان در این راه بر می شمارد . « صاعقه ما ستم اغنیاست » از صریح ترین دیدگاهها و مواضع پروین اعتصامی در این زمینه است. وی در بخشی از این شعر، به ترسیم ماهرانه زوایای مختلف فقر و تیره روزی دهقانان از زبان دهقان زاده ای می پردازد و می سراید:

گفت چنین کای پدر نیک رای	صاعقه ما ستم اغنیاست
پیشه آنان همه آرام و خواب	قسمت ما درد و غم و ابتلاست
دولت و آسایش و اقبال و جاه	گر حق آنهاست حق ما کجاست
قوت به خوناب جگر می خوریم	روزی ما در دهن ازدهاست
غله نداریم و گه خرمن است	هیمه نداریم و زمان شتاست
حاصل ما را دگران می برند	زحمت ما زحمت بی مدعاست
از غم باران و گل و برف و سیل	قامت دهقان به جوانی دوتاست
سفره ما از خورش و نان تهی است	در ده ما بس شکم ناشتاست
گر نبود روغن و گاهی چراغ	خانه ما کی همه شب روشناست
زین همه گنج و زر و ملک جهان	آنچه که ما راست همین بوریاست
همچو منی زاده شاهنشهی است	لیک دو صد وصله مرا بر قباست
رنجبر ار شاه بود وقت شام	باز چو شب روز شود بی نواست
خرقه درویش ز درماندگی	گاه لحاف است و زمانی عباست
از چه شهان ملک ستانی کنند	از چه به یک کلبه تو را اکتفاست
پای من از چیست که بی موزه است	در تن تو جامه خلقان چراست
خرمن امساله ما را که سوخت	از چه در این دهکده قحط و غلاست
در عوض رنج و سزای عمل	آنچه رعیت شنود ناسزاست
چند شود بارکش این و آن	زارع بدبخت مگر چارپاست
کار ضعیفان زچه با رونق است	خون فقیران زچه رو بی بهاست
عدل چه افتاد که منسوخ شد	رحمت و انصاف چرا کیمیاست
آنکه چو ما سوخته از آفتاب	چشم و دلش را چه فروغ و ضیاست
زنده این گنبد آئینه گون	آینه خاطر ما بی صفاست
آنچه که داریم زدهر آرزوست	آنچه که بینیم زگردون جفاست

آن گاه این وضع را امری مقدر و طبیعی نمی‌شمارد بلکه آن را ناشی از زور، ستم، جور و تعدی می‌داند. وی روابط و مناسبات ناسالم اجتماعی و سیاسی، بی‌خاصیت بودن محاکم، رشوه خواری و ریاکاری قاضیان و دو رویی و مفت خواری دین فروشان را مانع از تغییر و اصلاح این وضع بر می‌شمارد:

پیر جهان‌دیده بخندید کاین	قصه زور است نه کار قضاست
مردمی و عدل و مساوات نیست	زان، ستم و جور و تعدی رواست
گشته حق کارگران پایمال	بر صفت غله که در آسیاست
پیش که مظلوم برد داوری	فکر بزرگان همه آز و هوی است
انجمن آنجا که مجازی بود	گفته حق را چه ثبات و بقاست
رشوه نه مارا که به قاضی دهیم	خدمت این قوم به روی ریاست
نبض تهی دست نگیرد طیب	درد فقیر ای پسرک بی دواست
ما فقرا از همه بیگانه ایم	مرد غنی با همه کس آشناست
بار خود از آب برون می‌کشد	هر کس اگر پیرو و گر پیشواست
آنکه سحر حامی شرع است و دین	اشک یتیمان‌ش گه شب غذاست
لاشه خوراند و به آلودگی	پنجه آلوده ایشان گواست
خون بسی پیرزان خورده است	آنکه به چشم من و تو پارساست
خوابگه آن را که سمور و خز است	کی غم سرمای زمستان ماست
هر که پیشیزی به گدایی دهد	در طلب و نیت عمری دعاست
تیره دلان را چه غم از تیرگی است	بی‌خبران را چه خبر از خداست

پروین در شعر دیگری با نام اندوه فقر، راه توانگران را از راه درماندگان جدا می‌بیند و از غم خواری آنان برای بیچارگان و مسکینان ناامید است.

دولت چه شد که چهره ز درماندگان بتافت اقبال از چه راه ز بیچارگان رمید  
پروین توانگران غم مسکین نمی‌خورند بیهوده اش مکوب که سرد است این حدید  
در شعر رنجبر، پروین با نسبت دادن فقر و خواری رنجبران به امیران، حاکمان شرع و مفتیان  
رشوه خوار و صاحبان قدرت و ثروت یا خان و خواجه، چاره کار را در چالش، اعتراض و  
محو این زالو صفتان با پیکاری خونین می‌بیند.  
تا به کی جان‌کندن اندر آفتاب ای رنجبر ریختن از بهر نان از چهره آب ای رنجبر

زین همه خواری که بینی زافتاب و خاک و باد  
 جمله آنان را که چون زالو مکندت، خون بریز  
 دیو آژ و خود پرستی را بگیر و حبس کن  
 حاکم شرعی که بهر رشوه فتوی می دهد  
 آن که خود را پاک می داند ز هر آلودگی  
 گر که اطفال تو بی شامند شبها باک نیست  
 گر چراغ را نبخشیده است گردون روشنی  
 در خور دانش امیرانند و فرزندانشان  
 مردم آنانند کز حکم و سیاست آگهند

چیست مزدت جز نکوهش یا عتاب ای رنجبر  
 وندران خون دست و پای کن خضاب ای رنجبر  
 تا شود چهر حقیقت بی حجاب ای رنجبر  
 کی دهد عرض فقیران را جواب ای رنجبر  
 می کند مردار خواری چون غراب ای رنجبر  
 خواجه تیهو می کند هر شب کباب ای رنجبر  
 غم مخور می تابد امشب ماهتاب ای رنجبر  
 تو چه خواهی فهم کردن از کتاب ای رنجبر  
 کارگر کارش غم است و اضطراب ای رنجبر

پروین اعتصامی در چند شعر خود مشخصاً رأس هرم سلسله مراتب قدرت سیاسی را هدف می گیرد و با اشاره مستقیم به شاهان و حاکمان، آنان را عامل یا مسئول فقر و سیه روزی محرومان جامعه معرفی می کند. در بعضی از این اشعار، پروین به همدستان و همراهان حکومتگران نیز در کنار آنان اشاره می کند و به تعبیری که بعدها مرسوم شد، زر و زور و تزویر را در کنار هم می نشاند. اشک یتیم پروین اعتصامی از جمله مشهورترین این دست از اشعار اوست:

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی  
 پرسید زان میانه یکی کودکی یتیم  
 آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست  
 نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت  
 ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است  
 آن پارسا که ده خرد و ملک رهن است

فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست  
 کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست  
 پیداست آن قدر که متاعی گرانهاست  
 این اشک دیده من و خون دل شماست  
 این گرگ سالهاست که با گله آشناست  
 آن پادشا که مال رعیت خورد گداست

شعر گنج ایمن پروین اعتصامی را نیز در شمار دیگر اشعار او در این زمینه می توان خواند:

تو را بس است همین برتری که بر در تو  
 تو مال خلق خدا را نکرده ای تاراج  
 تو را فرشته بود رهنمون و شاهان را

بساط ظلمی و فریاد دادخواهی نیست  
 غذا و آتشی از خون و اشک و آهی نیست  
 به غیر اهرمن نفس پیر راهی نیست



مفاسد اجتماعی و سیاسی، به افشای اعمال دیگر عاملان ناروایی های جامعه همچون والی و قاضی و داروغه و محتسب می پردازد. در بخشی از این شعر، پروین می سراید:

پروین در شعر مشهور دیگری با نام مست و هشیار با کندو کاو در زوایای نابسامانی ها و مفاسد اجتماعی و سیاسی، به افشای اعمال دیگر عاملان ناروایی های جامعه همچون والی و قاضی و داروغه و محتسب می پردازد. در بخشی از این شعر، پروین می سراید:

گفت می باید تو را تا خانه قاضی برم گفت رو صبح آی قاضی نیمه شب بیدار نیست  
گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم گفت والی از کجا در خانه خمار نیست  
گفت تا داروغه را گوئیم در مسجد بخواب گفت مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست  
گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان گفت کار شرع کار درهم و دینار نیست

در شعر دیگری نیز از رشوه و ربای مفتیان و قاضیان و ربای عابدان و زاهدان سخن می رود: آن سفله ای که مفتی و قاضی است نام او تا پود و تار جامه اش از رشوه و ریاست گر درهمی دهند، بهشتی طمع کنند کو آن چنان عبادت و زهدی که بی ریاست سالوسان آزمند و زیردست آزار به همین روال از مخاطبان اشعار اجتماعی پروین اعتصامی اند: چو پتک از زیردستان را بکوبی و نیندیشی رسد روزی که بینی چرخ پتک است و توسندانی چو شمع حق برافروزند هر پنهان شود پیدا تو دیگر کی توانی عیب کار خود بیوشانی عوامت دست می بوسند و تو پابند سالوسی خواصت شیر می خوانند و تواز گربه ترسانی نگردد با تو تقوی دوست تا همکاسه آزی نباشد با تو دین انباز تا انباز شیطانی

در شعر زاهد خود بین نیز پروین به زاهدان ربایی پرداخته است. در بخش هایی از این شعر از جمله می سراید:

آن نشنیدید که در شیروان  
خلق بر او دوخته چشم نیاز  
حلقه به در کوفت زنی بینوا  
از چه شد این نور به ظلمت نهان  
از چه بر این جمع در خیر بست  
این همه افتاده بدید و نشست

ببود یکی زاهد روشن روان  
او به سوی دادگر کارساز  
گفت که رنجورم و خواهام دوا  
از چه برنجید زما ناگهان  
این همه افتاده بدید و نشست

گر ز ره لطف نگاهم کنی	فارغ از این حال تباهم کنی
ساعتی ای شیخ نیاسوده ام	باد صفت بادیه پیموده ام
دیده به بی دیده فکندن خوش است	خار دل سوخته کندن خوش است
پیر بدان لابه نداد اعتبار	گریه همی کرد چو ابر بهار
تا که سر از سجده شکران گرفت	دیو غرورش ز گریبان گرفت
گفت که این سجده و تسبیح چیست	بر تو و کردار تو باید گریست
عجب سمند تو شد و تاختی	رفتگی و بارو بنه انداختی
نفس تو چون خودسر و محتاله شد	زهد تو چون کفر دو صد ساله شد
طاعت بی صدق و صفا هیچ نیست	این همه جز روی و ریا هیچ نیست

رهزنان مزور و مؤمنان ظاهری در این شعر پروین اعتصامی نیز مخاطب اویند:

کینه می ورزی و در دایره صدقی	رهزنی می کنی و در ره ایمانی
تا کی این خام فریبی نه تو یا جوجی	چند بلعیدن مردم نه تو ثعبانی
گاه از رنگرزان خم تزویری	گاه بر پشت خروسوسه پالانی
تشنه خون خورد و تو خود بین به لب جویی	گرسنه مرد و تو گمره به سرخوانی
دوده آه است بنایی که تو می سازی	چاه راه است کتابی که تو می خوانی

پروین در مجموع در اشعار سیاسی اجتماعی خود همواره در کنار قدرتمندان و حاکمان زورگو و شاید بیش از آنان به مزوران و دنیا پرستان دغل باز و ریا کار پرداخته و تقریباً هیچ گاه از تحلیل نقش اسباب و عوامل نارسایی ها و نابسامانی های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه خویش در این اشعار غافل نمانده است. حاکمان، قاضیان، شحنگان، رباخواران، رشوه گیران و دین فروشان همه و همه در شعر دیگری از پروین به سان اجزاء مجموعه ای به هم پیوسته که به نوبه خویش در کار ایجاد و تثبیت و تشدید فضای سیه روزی و تیره بختی محرومان اجتماع اند، نمایانده شده اند. در بخش هایی از این شعر آمده است:

گفت هان بر گوی شغل خویشتن	گفت هستم همچو قاضی راهزن
تو قلم بر حکم داور می بری	من ز دیوار و تراز در می بری
حد به گردن داری و حد می زنی	گر یکی باید زدن صد می زنی
می زلم گر من ره خلق ای رفیق	در ره شرعی تو قطاع الطریق

می برم من جامه درویش عور تو ربا ورشوه می گیری به زور  
دست من بستی برای یک گلیم خود گرفتی خانه از دست یتیم  
من ربودم موزه و طشت و نمد تو سیهدل مدرک و حکم و سند  
دیده های عقل گر بینا شوند خود فروشان زودتر رسوا شوند  
دزد زر بستند و دزد دین رهید شحنه ما را دید و قاضی را ندید  
می زدی خود پشت پا بر راستی راستی از دیگ—ران می خواستی  
دیگر ای گندم نمای جو فروش باردای عجب عیب خود مپوش  
چیره دستان می ربایند آنچه هست می برند آن گه ز دزد کاه، دست  
دزد اگر شب گرم یغما کردن است دزدی حکام روز روشن است  
حاجت ار ما را ز راه راست برد دیو، قاضی را به هر جا خواست برد  
سرانجام، پروین در معدودی اشعار سیاسی اجتماعی خود با تصریح به نابرابری های  
طبقاتی، به عدم امکان وفاق میان زبردستان و زیردستان و ناممکن بودن اتحاد شاهان تاجور و  
غارتگران ستمگر با کارگران و رنجبران و زحمتکشان اشاره می کند و راه رهایی اینان را کنار  
نهادن صبر و سکوت و بردار کشیدن و مجازات خونین ظالمان و ستم پیشگان می داند:

شنیده اید میان دو قطره خون چه گذشت گه مناظره یک روز بر سر گذری  
یکی بگفت به آن دیگری تو خون که ای من اوفتاده ام اینجا زدست تاجوری  
بگفت من بچکیدم زپای خار کنی زرنج خار که رفتش به پا چونیشتری  
جواب داد ز یک چشمه ایم هر دو، چه غم چکیده ایم اگر هر یک از تن دگری  
ز ما دو قطره کوچک چه کار خواهد خاست بیا شویم یکی قطره بزرگتری  
به خنده گفت میان و من و تو فرق بسی است تویی زدست شهی من ز پای کارگری  
برای همرهی و اتحاد با چومنی خوش است اشک یتیمی و خون رنجبری  
تواز فراغ دل و عشرت آمدی به وجود من از جهیدن پشتی و زحمت کمری  
مرا به ملک حقیقت هزار کس بخرد چرا که در دل کان دلی شدم گهری  
قضا و حادثه نقش من از میان نبرد کدام قطره خون را بود چنین هنری  
در این علامت خونین نهان دو صد دریاست ز ساحل همه پیداست کشتی ظفوری  
ز قید بندگی این بستگان شوند آزاد اگر به شوق رهایی زنند بال و پری  
یتیم و پیره زن این قدر خون دل نخورند اگر به خانه غارتگری فتد شری

به حکم ناحق هر سفله خلق را نکشند      اگر ز قتل پدر پرسشی کند پسری  
 درخت جور و ستم هیچ برگ و بار نداشت      اگر که دست مجازات می زدش تبری  
 سپهر پیر نمی دوخت جامه بیداد      اگر نبود ز صبر و سکوتش آستری  
 اگر که بدمنشی را کشند بر سر دار      به جای او ننشیند به زور ازو بتری

### اندیشه های سیاسی اجتماعی پروین از منظر داوری ناقدان

ارزشهای شعری پروین، شعر او را در معرض توجه و ارزیابی چهره های ادبی شاخصی قرار داده است که برخی خود در زمره شاعران و ادیبان نامی دوره معاصر به شمار می روند. از این میان می توان به این شخصیت ها اشاره کرد: ملک الشعرا بهار، علامه قزوینی، سعید نفیسی، محمد علی جمالزاده، لطفعلی صورتگر، محمد حسین شهریار، مهدی اخوان ثالث، نادر نادریور، سیمین بهبهانی، احسان یارشاطر، دکتر عبدالحسین زرین کوب، دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر جلال متینی، دکتر عبدالحسین نوایی، دکتر محمد علی اسلامی ندوشن، دکتر محمد حسین روحانی، محمود اعتماد زاده (به آذین)، دکتر رضا براهنی و احمد کریمی حکاک.

اندیشه های متبلور در اشعار پروین و ارزشهای متعالی فکری او نیز ناقدان و صاحب نظران بسیاری را به نقد و سنجش درونمایه های شعری وی واداشته است. در این میان داوری ناقدان در باب اندیشه های سیاسی و اجتماعی پروین متفاوت و گاه متضاد بوده است. برخی وی را فاقد اندیشه سیاسی و حتی اجتماعی مشخص و منسجمی دانسته و یا آرا و افکار او را در عرصه سیاست و اجتماع در مجموع گذشته گرا، واپس گرایانه، محافظه کارانه، سنتی، تسلیم طلبانه، صوفی گرایانه، نومیدانه، مردم گریز، ایستا، ایده آلیستی، غیر واقعی و عاری از جهان بینی صحیح و عمیق برشمرده اند. بعضی دیگر متقابلاً پروین را شاعری نوگرا، زمان شناس، تحول خواه، رئالیست، آگاه، روشنفکر، منتقد، افشاگر، مبارز جو و انقلابی خوانده اند و حتی وی را در چنین عرصه هایی همردیف و گاه فراتر از شاعران انقلابی و پیکارجوی نامدار معاصر همچون عشقی و فرخی خوانده اند. در این میان جمعی نیز هر دو رویکرد را به گونه ای متناقض و پارادوکسیکال در شعر پروین یادآور شده و گاه در داوری خویش در این باب خود به نوعی پارادوکس و تناقض گویی گرفتار آمده اند. شاید گوناگونی و تضاد یا تناقض در این داوری ها را با مدعای آغاز سخن بتوان توجیه کرد و توضیح داد که پروین را در میانه طیفی از سیاست پردازان تا سیاست گریزان تنها می توان شاعری متعهد خواند که با

برخورداری از اندیشه‌ها و دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی، فارغ از سمت‌گیری و چارچوب فکری متصلب و جزمی سیاسی، مذهبی، طبقاتی، حزبی و عقیدتی خاصی بود. در این جا به شمه‌ای از هر دو دسته دیدگاه‌های متقابل درباب درون‌مایه شعر پروین و نیز رویکردهای دو گانه در این باب اشاره می‌شود.

از میان ناقدان صریح اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی متجلی در اشعار پروین اعتصامی که تقریباً هیچ وجه مثبت و پویایی در این اندیشه‌ها نمی‌بینند، از جمله می‌توان به رضا براهنی اشاره کرد. دکتر براهنی می‌نویسد: «پروین، ناصر خسرو مؤثی است بدون آن دینامیسم خرد برتر ناصر خسرو، دنبال عدالتی است در داخل سیستمی که تیشه بر ریشه عدالت می‌زند. زنی مطیع و فرمانبردار و عفیف و پاک و صمیمی است ولی در عین حال سخت در بند دوگانگی خیر و شر، قوی و ضعیف، غنی و فقیر و پادشاه و گداست. انقلابی نیست... جهانش، حتی در تیرگی هم، از پویایی برخوردار نیست. گفت و گو تدبیر اساسی اوست، تمثیل کار او. ولی هدف مضمون‌پند آمیز، دست و پایش را سخت بسته است. هرگز به درهم ریختن یادهای مختلف حافظه و از میان برداشتن دیوارهای زمانی و مکانی یادها، توجهی ندارد. شعرش، هیجان‌انگیز، پرشور و حال، اعجاب‌انگیز و تکان‌دهنده نیست» (دهباشی، 1370: 76).

سعید نفیسی نیز با چنین رویکردی به مضمون شعر پروین می‌پردازد: «روح خاصی که در شعر پروین همه جا لایح و هویدا است و شاید زاده محیط زندگی او باشد، یک روح تسلیم بلاشرط در برابر حوادث و وقایع جهان مادی و معنوی و شکایات از ناپایداری جهان در ضمن دلداری از این ناپایداری و استقناع از بی‌ثباتی کار جهان و بی‌سامانی این سامان است. آن پرخاش نسبت به ناگواری‌ها و آن خشم و کینی که گاهی دست در سینه افلاک و عناصر هم می‌افکند و در آثار بسیاری از شعرای جهان هست، مطلقاً در آثار پروین نیست» (جلالی پندری، 1370: 49).

از دیگر منتقدان درون‌مایه‌های شعر پروین اعتصامی، فرشته داوران است. او ضمن نقد تند و گزنده افکار و اندیشه‌های پروین می‌نویسد: «بین شاعر زمان خود بودن و یا دختر مطیع و سر به راه اعتصام‌الملک، پروین دومی را برگزید» (دهباشی، 1370: 113).

سیمین بهبهانی گرچه برخی اشعار پروین را اشعار زمانه و زندگی می‌خواند، در مجموع شیوه کار او را گذشته‌گرایی می‌داند و آن را مولود بریدن از جامعه مدنی و فقدان تجربه ملموس شاعر از اجتماع برمی‌شمارد: «شعر پروین هر جا که از تجارب عینی او نشانه‌هایی

دارد، روح زمان را باز می‌تابد و با زندگی روزانه پیوند دارد ... شیوه کار پروین با همه انسجام و پختگی و کمال، بی‌تردید چه از لحاظ قالب و چه از لحاظ فرم و درون مایه، همان شیوه گذشتگان است و به جز چند مورد ... هیچ نسیم تازه‌ای در دیوانش نوزیده است ... شاید این از آن روست که بانوی خلوت‌گزین از جامعه مدنی بریده و به کتابخانه و انبوه دیوان‌های شاعران پیوسته است. عواطف انسانی و اندیشه‌های عرفانی و اخلاقی و فلسفی او همان است که از نوشته‌های گذشتگان و متأخران به او منتقل شده است. او هرگز از یک قهوه‌خانه، یک مهمانخانه، یک محله فقیرنشین، یک قصر سلطنتی، یک کلبه و یک دادگاه حقوقی یا جنایی تجربه‌ای ملموس به دست نیاورده است» (اعتصامی، 1369: 24 و 25).

وجود برخی اشعار سیاسی - اجتماعی پروین اعتصامی با لحن انتقادی تند و صریح، متقابلاً سبب ترسیم چهره‌ای انقلابی و پیکار جو از او نزد برخی پژوهندگان شده است. زندگانی پروین و بعضی از مواضع او از جمله رد دعوت دربار برای آموزش همسر و فرزند شاه و نیز نپذیرفتن نشان‌اهدایی دربار، در نگاه شماری از پژوهشگران پروین را به چهره‌ای یکسره سیاست‌پرداز و مبارز که استبداد رضاشاهی را به چالش طلبیده بود، بدل ساخت. دکتر جلال متینی از دیگر ناقدانی است که ضمن تردید در اصل قضیه، به رد این تصور و تصویر می‌پردازد و پروین را شاعری مردم‌گریز می‌خواند: «پروین یکی از تندترین اشعار سیاسی - اجتماعی خود (صاعقه ما ستم اغنیاست) را در حدود سال 1300 هنگامی که حداکثر پانزده ساله بود سروده است یعنی در اواخر دوران قاجاریه و پیش از آنکه رضا شاه به سلطنت رسیده باشد ... حجب فوق‌العاده و مردم‌گریزی را باید از جمله صفات بارز پروین دانست. آن‌گاه در چنین وضعیتی اگر دربار پهلوی هم از وی برای آموزش ملکه پهلوی و ولیعهد ایران دعوت کرده باشد که ظاهراً به جز یک روایت در این باب سند دیگری در دست نداریم، آیا نپذیرفتن دعوت دربار را - چنانکه در این روایت آمده است - نمی‌توان در درجه اول معلول خجالتی بودن پروین دانست ...» (دهباشی، 1370: 360 و 362).

رویاروی چنین داوریهایی، جمع بیشتری از نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران درون مایه‌های شعر پروین، او را شاعری با افکار و گرایش‌های سیاسی اجتماعی مشخصاً منتقدانه و پیکار جویانه و مؤمنی اسلام‌گرا و شریعت‌مدار یا برخوردار از جهت‌گیری‌ها و مواضع طبقاتی ضد سرمایه‌داری معرفی کرده‌اند.

به نوشته ذاکر حسین، «یکی دیگر از گرانبمایگانی که در جو مختنق رضاشاه به سرایش ادبیات سیاسی پرداخته، پروین اعتصامی است ... محیط بسته فرهنگی پروین که در آن زیسته و

اشعار خود را سروده، وی را ناگزیر ساخت که زمینه انتقاد از زورمندان ستم پیشه را در شکل انواع ادبی مانند تمثیل و کنایات عامیانه و لطیفه و امثال که برای فرانمودن جهانی که می توان آن را با گذشته و زمان حال تطبیق کرد و در اعصار آینده نیز مصداق تواند داشت، مناسب بیابد» (ذاکر حسین، 1377: 72/2 و 73).

ذاکر حسین که از پروین اعتصامی با عنوان شاعری رمز گو، استعاره پرداز و کناره گیر نام می برد، با ذکر نمونه هایی از شعر او و تفسیر آن اشعار، مواردی چون «شک در مشروعیت سیاسی دولت، تقبیح ظلم و تصویر فقر» را از مسائل مورد توجه پروین می شمارد (ذاکر حسین، 1377: 72/2 تا 89).

دکتر حشمت مؤید نیز با اشاره به شعر سیاسی پروین، او را بیش از همه شاعران زمان خود شجاع و منتقد خوانده است. به نوشته مؤید، «سرنوشت پروین اعتصامی تنفس در فضایی آزاد نبود که بدو مجال اظهار صریح و بی پرده اندیشه هایش را بدهد ... پروین که دختر جوان گمنام به ظاهر بی اهمیتی بود، برای بیان مخالفت و اعتراض خود شیوه خاصی ابتکار کرد و در شعر خویش جهانی افسانه ای آفرید که در آن عناصر ستیزنده با یکدیگر، رمز عوامل متنازع اخلاقی و اجتماعی و سیاسی کشور و زبان حال طبقات مظلوم و درمانده بود» (دهباشی، 1370: 373).

مؤید در ادامه می افزاید: «پروین شاعری بیدار و هشیار بوده که با چشمان باز می نگریسته و با شهامت و جرأتی کم نظیر از هم رنگ شدن با جماعت تن زده و سر تسلیم در برابر فشار سیاسی فرود نیاورده و فریفته رنگ و بوی و نقش و نگار ظاهری نشده است ... پروین از نابسامانی های سیاسی و مصائب اجتماعی ایران دقیقاً آگاه بوده و با شهامتی بیش از هر شاعر دیگر زمان خود از فساد دستگاه طبقاتی زورمندان و جور و آذ پادشاه انتقاد کرده است ... انتقاد پروین محدود به ارباب قدرت و سیاست نیست و طبقات مردم را نیز که گرفتار جهل و بی خبری و بسیاری از بیماری های اخلاق عمومی همچون کاهلی و حرص و پول پرستی و دروغ و ریا و آلودگی به خرافات هستند، در بر می گیرد. در انتقاد از زشتیها و بدکرداری ها نیز لحن گفتار پروین اعتصامی به ندرت خشونت آمیز و انتقام جویانه است» (دهباشی، 1370: 376 تا 378).

مؤید بر این نظر است که در هیچ بیتی از اشعار پروین از تسلیم به قضا و قدر نشانه ای نیست: «پروین در عمل از اندیشه بدبینی خود به این نتیجه نرسیده است که باید تسلیم قضا و

قدر گشت و از سعی و عمل باز ایستاد. چنین حکمی را حتی به تقریب در تمام دیوان پروین در یک بیت هم نمی توان یافت ... برای گریز از این غم بی فرجام، پروین دو راه اختیار کرده است: کار و ایمان» (دهباشی، 1370:382).

دکتر مؤید در عین حال پروین را شاعری برخوردار از تسامح و فارغ از تعصبات دینی یا پرداختن به شعر مذهبی به مفهوم خاص می داند که این البته با اعتقادات ایمانی او منافاتی ندارد بلکه از امتیازات منش مذهبی وی محسوب می شود. به نوشته مؤید، «دین در سراسر تاریخ شعر فارسی اکثراً سهمی بیشتر از دیگر عناصر فکری داشته است. از چند شاعر استثنایی که بگذریم، همه گویندگان ایرانی از کسایی مروزی تا ملک الشعرا بهار بارها قصاید و قطعاتی در شرح ارادت و اخلاص خود نسبت به رسول الله و آل او و اسلام و نیز خلفای راشدین سروده اند. در دیوان پروین اعتصامی از این گونه اشعار مذهبی خبری نیست. پروین به عنوان شاعر سرگرم تصنیف افسانه ها و مناظرات و درگیر مسائل و مباحث جدید روزگار خویش بوده است. وی مانند اکثر شاعران و نویسندگان این عهد و عصر فرزند زمانه خویش بوده که دفتر تحصیلات دینی مکتبهای قدیم را بسته و با شوق و ذوق به آموختن دانش های جدید غربی روی آورده است ... در دیوان پروین اشاره ای به مآثر و سنن مذهبی نمی توان یافت و البته این سکوت ابداً کمترین دلالتی بر سستی ایمان شاعر ندارد ... یکی از امتیازات دل انگیز منش مذهبی پروین اعتصامی که در شعر او جلوه گر گشته، عدم تام و تمام غده تعصب است که هرگاه بر پیکر اندیشه و اعتقادی رشد کرد، حقیقت را مسخ و ریشه انسانیت را خشک و ایمان را به جهل و شرف و راستی را به دروغ و ریا و رذالت مبدل می کند. پیام دوستی و تسامح در شعر پروین شامل همه انسان هاست و هیچ گروه غیر مسلمان را مستثنی نمی سازد» (دهباشی، 1370: 384 و 385).

دکتر حمید دباشی از دیگر تحلیل گرانی است که شعر پروین را انعکاس اساسی ترین انگیزه ها و عقاید سیاسی و اجتماعی عصر خود می خواند. به نوشته دباشی، «پروین اعتصامی یکی از معماران طراز اول تاریخ اندیشه های اجتماعی و سیاسی در ایران است. در زمانی غالب بر دو دهه، پروین اعتصامی اساسی ترین انگیزه ها و عقاید سیاسی و اجتماعی عصر خود را در شعر منعکس کرده است ... پروین اعتصامی آگاهی سیاسی و شعوری خلاق پیرامون مسائل جاری داشت و این شعور سیاسی انعکاسی مستمر در خلال اشعار او دارد ... فرهنگ سیاسی ایران بعد از انقلاب مشروطه حضور مستمر در تمام صفحات دیوان پروین



اعتصامی داشته از وی انسانی آگاه با شعوری خلاق و درگیر در مسائل اجتماعی در ذهن آدمی تصویر می کند» (دهباشی، 1370: 136).

دباشی سپس به نگاه پروین به مسائل سیاسی عصر خود، حساسیت او به وضعیت مردم و همدردی وی با محرومان و زحمتکشان می پردازد و می نویسد: «حساسیت فوق العاده به اوضاع سیاسی و اجتماعی مردم، همدردی با آلام و مصائب طبقات محروم و زحمتکش و خصومت با ظلم و بی عدالتی، از مشخصات بارز شعر پروین اعتصامی است. بدون آنکه تعهد شاعرانه او متکلف و متصنع به تعلق خاطر انحصاری به یکی از علائم مشخصه ایدئولوژیک باشد، پروین اعتصامی به تاریخ ترین و باریکترین مسائل سیاسی عصر خود به زبانی طبیعی و ویژه روحیات خویش می پردازد. گرچه عدم تعهد ایدئولوژیک او مانع از شعار پراکنیهای توخالی است، ولی به وضوح روشن است چه کسی را شخصاً مسؤول مصائب ملت می داند» (دهباشی، 1370: 136 و 137).

از دیگر صاحب نظرانی که به مواضع سیاسی پروین در قبال حکومت و مناسبات اجتماعی اشاره می کند و از وی به عنوان پیکارمند انقلابی نام می برد، دکتر محمد حسین روحانی است. به نوشته روحانی، «پروین با حکومت خود کامه آن زمان سرناسازگاری داشت. پروین اعتصامی به چگونگی سازوکار شبکه روابط اجتماعی و به پیوند منطقی همه پدیده های جهان با یکدیگر، اشرافی بی مانند دارد» (دهباشی، 1370: 171 و 177).

به اعتقاد روحانی، «دوران شکوفایی پروین از 1300 تا 1320 بود و این درست مصادف با اوج اختناق اجتماعی و سرکوب و قهر و خودکامگی سیاسی بود. با این همه مشاهده می شود که او قطعه های برلیانی مانند اشک یتیم را می سراید... پروین دستگاه اجرایی و قضایی را می نگرد که هر دو در آن روزگار به سود زورمندان و زراندوزان و توانگران کار می کردند و می چرخیدند و جز برای سربریدن و سرکوب کردن توده های میلیونی نمی چرخیدند. قطعه مست و هوشیار نمونه گویایی از این اندیشه است. در قطعه دزد و قاضی صحنه بازپرسی در دادگاه میان دزد و بازپرس را نشان می دهد که بازپرس هر چه درباره نشانه ها و انگیزه های دزدی و اموال دزدیده شده پرس و جو می کند، دزد فقط خود شخصی بازپرس را با دست نشان می دهد و سخن را به او باز می گرداند و در قطعه ناآزموده تصویر خود را از دستگاه قضایی آن روز به اوج کمال می رساند» (دهباشی، 1370: 179 تا 181).

در ارزیابی اشعار پروین، برخی چون م. اسحاق نیز آن را بازتاب آگاهی شاعر از ستم طبقاتی و تصویر پیامدهای اجتماعی و بیدادگری و مطالبه مساوات و برابری در شعر می خوانند: «آگاهی از ستم اغنیا بر فقرا در شعر او (صاعقه ما ستم اغنیاست)، بازتابی راستین دارد. او در این شعر، تصویر رقت انگیزی از وضع فلاکت بار فقرا که محصول ظلم و بی عدالتی اغنیاست، ترسیم کرده است... پروین بعدها احساسات عمیقش را در خصوص رنجبران نیز به کار گرفت. در بعضی از اشعار او می توان ستیز بین کار و سرمایه را مشاهده کرد که از معروف ترین آنها شعر رنجبر است... عقاید پروین در خصوص رسالت و وظایف زنان تحت تأثیر افکار اروپایی بود و به وسیله آن شکل گرفته بود. به عقیده او زن و مرد مساوی با هم اند و در کارهای اجتماعی در کنار هم قرار دارند» (دهباشی، 1370: 43).

سرانجام در میان کسانی که پروین اعتصامی را از خلال درون مایه های سیاسی و اجتماعی شعر او شاعری سیاست پرداز و برخوردار از رسالتی اجتماعی دانسته اند، برخی حتی وی را شخصیتی یکسره انقلابی و پیکارجو خوانده و با قرار دادن او در فضای فکری دوره های اخیر، از پروین چهره ای رادیکال و چپ گرا یا دین مدار و اسلام گرا ترسیم کرده اند. ناظر، شعر پروین اعتصامی را «برخوردار از ویژگی نیاز زمانه یعنی توجه به بی عدالتی حاکم، ضرورت عدل، پرخاش به ستمگر و مخصوصاً وصف طبقات و قشرهای مورد ستم» بر می شمارد، طنز کلام او را «چاشنی گرفته از تلخی زندگی توده ها» توصیف می کند، «سروده های این دختر دلیر» را «چنان سرشار از راستی و کوبندگی و رسوا کننده و کوبنده عمله ستم» می خواند که «سانسورچیان دستگاه آریا مهری تاب تحمل یک ذره آن را نداشتند». ناظر، «یورش به استبداد و ارتجاع» را در «بیشتر قصاید و مناظره های معمولی شاعره مطهره ما» متجلی می بیند و از جمله قطعه پایه و دیوار را «کنایت از عمق جامعه و توده تولید کننده در برابر گستاخی دیوار قصر شاه» می داند (دهباشی، 1370: 407 تا 409). یعقوب اژدرپناه، «طغیان در مقابل مقررات تحمیلی، عدم تحمل بی عدالتی و زور شنوی، قیام دلیرانه برای دفاع از حق و شکل ستیز و مبارزه گرفتن شکایت ستم دیدگان در ضمیر لایتناهی پروین» را از ویژگی های او بر می شمارد و با بررسی برخی از شعرهای وی به توضیح رویارویی های وی با شاهان و درباریان در این اشعار می پردازد (دهباشی، 1370: 21 و 22).

عبدالعظیم صاعدی نیز از پروین به عنوان «شاعر مردم، بازگو کننده قصه ها از غصه و فقر و محرومیت کارگران، دهقانان، یتیمان، پیرزنان و اقشار ضعیف که توده ای عظیم را متشکلند، عاشق مردم، مشتاق نجات و عروج اینان در پناه مساواتی ایمانی- انسانی، شاعری سلحشور و

غیور، همساز با زمان و سازگار با خصلت های ملی و قومی و خصوصیات فرهنگی و مذهبی مردمش» یاد می کند و بر این نظر است که «پروین حتی آنجا که بنا به ملاحظاتی ناگزیر از چکیده گوئی و غیر مستقیم سرایی گشته، باز همچنان محکم تر از سیاسی سرایان هم عصرش همچون عشقی و فرخی پا به میدان نهاده» و به «طنز و جد اخطارهایی را که لازمه نگهداشت و پیشبرد اسلامیت و انسانیت در عصر اوست، به آشنا و بیگانه تذکار نموده» و «زندگی اش در عین انزوا و حاشیه نشینی برهنه ترین و برنده ترین زندگی های شاعران سیاسی هم نسل اوست» (دهباشی، 1370: 257 تا 260). صاعدی در ادامه چنین تصویری از پروین ترسیم می کند: «پروین نابرابری های وحشتناک اجتماع را می شناخت و سیاهی آنها را لمس می کرد. پروین در قطعه ای رنجبر برخلاف طینت و طبیعت آرام خود با خشمی منفجر کننده خلق مظلوم و رنج کشیده را به فروپاشیدن نظام استعمار نوین به هر وسیله ممکن فرا می خواند... پروین مردم را تشویق و تحریک به مبارزه در برابر فرعون جدید (استعمار نوین) می نماید و خطرات خود باختگی و بردگی فکری را فریاد نموده مردم را به نگهداشت فرهنگ متعالی اسلام فرا می خواند» (دهباشی، 1370: 264 و 265).

پروین اعتصامی و اشعار او در تفسیر برخی از نظریه پردازان و تحلیل گران ادبیات معاصر از منظر رویکردهای سیاسی و اجتماعی، با نگاه متعادل تری نگریسته شده و سروده های وی یکسره فارغ از دغدغه سیاست و اجتماع یا تماماً شعر مبارزه و پیکار و رسالت سیاسی و اجتماعی خوانده نشده و چنانکه اشاره شد، گاه حتی به گونه ای ابهام یا تناقض در داوری در این خصوص دچار شده است.

یحیی آرین پور در تحلیل مواضع سیاسی و اجتماعی پروین اعتصامی و درون مایه ها و جهت گیری های فکری او می نویسد: «پروین در جریانات اجتماعی مربوط به بانوان و در جنبش آزادی و حقوق زن عملاً مداخله نکرد و این کناره گیری در اشعارش نیز منعکس شده است. با این همه هنگامی که شرایط برای دخالت فعال زنان در امور اجتماعی مساعد شد، در قصیده ای به نام زن در ایران چنین سرود:

زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود پیشه اش جز تیره روزی و پریشانی نبود» (آرین پور، 1376: 540).

به نوشته آرین پور، «پروین از مکاتب فلسفی آگاه نیست و قصد تبلیغ و ترویج مرام و مسلک خاصی را ندارد بلکه خطیب و مبلغ افکار جدید است و از شعر و هنر خود تنها چشم

به اصلاحات اخلاقی و اجتماعی دارد. شعر پروین با مضامین نو و با علاقه و دلسوزی به حال بینوایان ممتاز است. او مدافع حقوق رنجبران و رنجدیدگان و شریک درد و غم زحمتکشانش و کشاورزان و به طور خلاصه سخنگوی پرشور و پا بر جای تیره بختان است» (آرین پور، 1376: 541).

آرین پور در ادامه با نقل نظر ضیاء هشرودی در باب پروین اعتصامی که افکار سالکین بزرگ اجتماعی (سوسیالیست ها) در آثار او تأثیر دارد، می نویسد: «اما این تأثیرگذاران و ناپایدار است. او بر فساد اساس عالم اجتماع آگاه است و به خوبی می داند تا دنیا همین دنیا است، توانگران غم مسکین نخواهند خورد ولی فریاد او ناتوان است و از حدود ناله و شکایت نمی گذرد. در قطعه ستم اغنیا... وضع ناگوار کشاورز ایرانی با بیان روشنی تصویر شده است. این نخستین بار است که در چنان محیط آلوده سخنی متهورانه آن هم بر زبان یک زن شاعر جاری می شود و این واقعه ای است که در ادبیات ایران سابقه نداشته است. درمنظره دو قطره خون نیز تصادم فقر و غنا به خوبی بیان شده و گوینده در پایان سخن لزوم کوشش و مبارزه در راه رهایی از بند بندگی و ستم را گوشزد می کند» (آرین پور، 1376: 543 و 544).

محمود اعتماد زاده (به آذین) از دیگر نویسندگان و صاحب نظرانی است که دیدگاهی دو گانه در باب اندیشه و شعر پروین اعتصامی ارائه می کند. به آذین پس از ذکر نمونه هایی از شعر پروین که در آنها از نومیدی مرگ، خواب و خیال بودن زندگی، فریب کاری جهان، بی اعتباری و بی حاصلی زندگی، شکیبایی و ساختن با زمانه، تسلیم، قناعت، سبکباری و پرهیز از جهان سخن رفته است، می نویسد: «جهان بینی پروین، همان جهان بینی عرفانی است که قرن هاست بر وجدان ملل شرق سنگینی می کند. قطعات پراکنده و گاه ناجور این جهان بینی را در آثار شاعران و نویسندگان ایران تقریباً بدون استثنا می توان یافت اما در اشعار پروین این همه به صورت جامع و روشنی ادا شده است» (دهباشی، 1370: 69). وی سپس می افزاید: «هر گاه شعر پروین تنها از همان قماش بود، جای شگفتی نبود اگر با گذشت زمان نام او به دست فراموشی سپرده می شد ولی خوشبختانه از این گذشته پروین اشعاری دارد که اگر چه معدود است، اما با فصاحت و شیوایی کم نظیری در آن به مقتضیات زمان خود جواب گفته است... پروین در این اشعار پرده ریا از چهره عصر خود برمی دارد و منظره نفرت بار پوسیدگی و فساد آن را برملا می سازد» (دهباشی، 1370: 72).

اعتماد زاده در ادامه با نقل و توضیح شعرهایی از او می نویسد: «پروین در قطعه دزد و قاضی از زبان دزد سیه کاری های کسانی را که پاسدار عدالت اند، بر می شمارد ... در قطعه شکایت پیرزن، شاه ستمگری را با پیرزن هستی باخته ای رو برو می کند... و در قطعه دیگری باز از زبان پیرزنی زیب شاهی را به یک سو می زند و چهره گرگی را آشکار می گرداند... در قطعه مناظره، پروین دو قطره خون را در مقابل هم می نهد: یکی خون دست پادشاه و دیگر خون پای خارکن. قطره نخستین به دومی پیشنهاد اتحاد می نماید؛ ولی خون رنجبر با هشیاری خاصی این پیشنهاد را رد می کند... آن گاه پروین نوای تازه ای سر می دهد که به خوبی نماینده کینه او نسبت به دستگاه ستم است. او راه مبارزه علمی را به ستمدیدگان و رنجبران نشان می دهد» (دهباشی، 1370:73).

در نگاه بینابینی دیگری که از دقت و موشکافی و تحلیل چرایی این دوگانه بینی در تفسیر شعر پروین برخوردار است، دکتر عبدالحسین زرین کوب می نویسد: «همدردی صمیمانه با طبقات محروم جامعه، پروین را مورد علاقه کسانی که از زبان این طبقات سخن می گویند و به هر عنوان که هست حق پایمال گشته آنها را مطالبه می کنند، می دارد. شاید همین نکته سبب شد که در سالهای بلافاصله بعد از شهریور بیست اشعار پروین گهگاه مورد تحسین فوق العاده بعضی منتقدان و نویسندگان نسل جوان واقع شد و مبالغه ای که در اهمیت این جنبه از اندیشه و هنر او رفت، جهات دیگر شخصیت و تعلیم او را که الزام دین و اخلاق و تقوی و عمل بود، ظاهراً تا حدی تحت الشعاع قرار داد. بدون شک این همدردی که او را با تجربه محنت مرد رنجبر، کودک یتیم و دهقان فقیر آشنا نشان می دهد، حاکی از عمق احساس انسانی و اخلاقی اوست؛ اما توجه به آلام فقرا در نزد وی بدان معنی نیست که ریشه فقر آنها را گهگاه در اجتناب آنها از سعی و عمل نشان ندهد و نیل به استقرار عدالت اجتماعی را به جد و جهد و کوشش موقوف ننماید. با آنکه در خطاب ای رنجبر وی را به مطالبه حق خود تشویق می کند و حتی در این کار از اعمال خشونت هم وی را منع نمی کند، اما آنچه مطلوب اوست و به اعتقاد او استقرار عدالت و غلبه خیر و محبت را در عالم ممکن می سازد، تربیت اخلاقی است که بین ایمان و عمل تعادل به وجود می آورد» (اعتصامی، 1370: 68 و 69).

نگاه بشر دوستانه پروین اعتصامی و حمایت وی از محرومان و ستمدیدگان، نه در چارچوب ایدئولوژیک و طبقاتی بلکه از منظر روح لطیف، صمیمی و صادقانه او، تفسیری

است که دکتر غلامحسین یوسفی نیز از درونمایه شعر پروین به دست می دهد: «شعر پروین از لحاظ فکر و معنی بسیار پخته و متین است؛ گویی اندیشه گری توانا حاصل تامل و تفکرات اجتماعی خود را درباره انسان و جنبه های گوناگون زندگی و نکات اخلاقی و اجتماعی به قلم آورده است. بی گمان او در این باب از سرچشمه افکار پیشینیان نیز بهره مند شده است اما نه آن که سخنش رنگ تقلید و تکرار پذیرفته باشد بلکه در اندیشه و طرز بیان از اصالت برخوردار است. عواطف بشر دوستی و حمایت از مردم محروم و یتیمان و سالخوردهگان و ستمدیدگان - که در شعر پروین به صورت واکنش روحی لطیف و مادرانه بروز کرده - از درون جان او جوشیده و سرشار از صمیمیت و صداقت است و رنگ ویژه طبع و ذوق وی را دارد» (اعتصامی، 1370: 74).

یوسفی در عین حال با اشاره به رویارویی دو گروه متمایز اجتماعی در شعر پروین می نویسد: «پروین که سراینده شعر یتیمان و پیرزنان از پا افتاده و بیوه زنان رنجیده و دیگر محرومان است، اینک دو گروه متفاوت جامعه را در برابر هم می بیند: زبردستان متمتع و برخوردار و فرودستان درمانده و گرفتار» (اعتصامی، 1370: 81). وی آنگاه به استنباط مدلولنگ از نظرگاه اجتماعی پروین می پردازد که بین طبقه بهره جوی و کامیاب و طبقه محروم هماهنگی و همگامی صورت پذیر نیست» (اعتصامی، 1370: 82).

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن نیز بر این نظر است که پروین در عین حال که به سیاست نپرداخته، از رنج و غم بی پناهان و محرومان همه زمان ها و مکان ها در شعر خود سخن گفته است: « پروین اعتصامی که گل گلهای شعر دوران جدید است، چه به اقتضای روح لطیف و خواهرانه ای که داشته و چه به اقتضای زمان، به سیاست و مسائل جاری نپرداخته. قلمرو شعری او به مکان و زمان و حوادث خاص محدود نیست. وی رنج و غم مردم بی پناه و محروم را می سراید؛ به طور عام، در هر روزگار و در هر کجا که باشند» (دهباشی، 1370: 49 و 50).

از دیگر نویسندگانی که دیدگاهی بینابینی در باب درون مایه های سیاسی اجتماعی شعر پروین دارد، ایرج علی آبادی (دریا) است که پروین اعتصامی را هم ایدئالیست و هم رئالیست می خواند و در عین اینکه بر نظریات و رویکردهایی چون اومانیزم، نظریه انقلابی، نظریه تاریخی و موضع گیری های صریح سیاسی، اجتماعی و طبقاتی پروین تصریح دارد، او را نظریه پرداز نمی داند. به نوشته علی آبادی، در اشعار پروین «سه تم مشخص توکل و تسلیم و

فکر صوفیانه، نظریه انسان دوستی (اومانیسم) و مهمتر از همه نظریه انقلابی و صحیح تاریخی « دیده می شود» (دهباشی، 1370: 292).

علی آبادی از پروین اعتصامی با عناوینی همچون «دوستدار انسان، دوستدار کارگران، دهقانان، زجرکشیدگان و داغ نفرت خوردگان اجتماع خود، وکیل مدافع زبردست، رئوف و خوش قلب رنجدیدگان و محنت زدگان، همدرد مهربان کودکان، یتیمان و بدبخت ها، توصیف کننده زندگی ستمکشان و نشان دهنده پستی، خشونت، ریاکاری، ظلم و دورویی توانگران، زاهدان و پادشاهان و اختلاف طبقاتی موجود در اجتماع» یاد می کند و می نویسد: «پروین در قطعات خود نظریه مشخصی را عرضه نکرده است. او نتیجه گیری نمی کند و در صورتی هم که نتیجه هایی می گیرد، اغلب در همان زمینه فکر عرفانی و ایدآلیستی اوست. پروین در اشعار خویش و حتی در همان اشعار که دارای طرز تفکر و برداشت ایدآلیستی است، یک نفر رئالیست، یک نفر واقع بین است. خیال بافی به معنی دورافتادن از حقیقت در اشعار پروین خیلی کم به چشم می خورد» (دهباشی، 1370: 292 و 293).

به نوشته علی آبادی، «پروین آرزو می کند که کار از اسارت آزاد شود و در خدمت صاحب کار به کار افتد اما این وضع در نظام اجتماعی کنونی وجود ندارد و به همین جهت به صورت آرزویی برای پروین بروز می کند. در حقیقت باید گفت پروین خواهان تساوی، عدالت، نوع دوستی و زیبایی است. اینها در اجتماع او وجود ندارد. نظام اجتماعی او طوری است که هیچ یک از آرزوهایش نمی تواند جامه عمل بپوشد؛ اما چنانکه اشاره شد، پروین به آن چنان جهان بینی مجهز نیست که مسائل را صحیح و عمیق بسنجد و نتیجه گیری کند. آن وقت به دامن تخیل پناه می برد و بدون اینکه از محکوم کردن مقصرین اجتماع دست بکشد، پای نیروی قادرتری را به اسم قضا و قدر به میان می کشد» (دهباشی، 1370: 292).

علی آبادی می افزاید: «در اشعار اجتماعی پروین، نقطه نظر تاریخی وجود دارد. در این قطعات پروین تنها به توضیح و تشریح وضع افراد و طبقات اکتفا نمی کند. راه نشان می دهد. این راه، راه مشخص و صحیح است. راهی است که تاریخ نشان می دهد. راه انقلاب است»<sup>35</sup> وی سپس به توضیح برخی از اشعار پروین اعتصامی می پردازد و به مباحثی چون «بر حذر داشتن از تحمل ظلم و ستم، توضیح درست تقسیم غیر عادلانه ثروت و اختلاف طبقاتی، نقاشی صحیح از وضع زندگی طبقات در ایران، نشان دادن وضع دهقانان ایران در مقابل مالکین و بلکه توضیح وضع عمومی رنجبران کشور، مجازات و از بین بردن ظالمین و

غارتگران برای نجات رنجبران و قطع ریشه ظلم، لزوم اتحاد دهقان و کارگر برای پیروزی آنها در مبارزه ای مقدس، روشن بینی، واقع بینی، شناخت واقعیات اجتماع و طبقات مختلف جامعه و نشان دادن بیدادگری و فساد دستگاه سلطنت به عنوان مظهر ظلم و پستی و سرمنشأ همه بیدادها» در این اشعار اشاره می کند (دهباشی، 1370: 294 و 251).

داوری دوگانه در خصوص سروده ها و رویکردهای سیاسی اجتماعی پروین اعتصامی را در نگاه لئوناردو عالیشان نیز می توان دید. عالیشان از یک سو اصلاح طلبی پروین را کم و بیش تصنعی، بی اثر، محافظه کارانه و سنتی می داند و از دیگر سو او را مبارزی صادق با پدیده هایی چون ریا، بیدادگری و ستم اجتماعی می خواند: «اصلاحاتی که پروین در اشعاری چون زن در ایران یا فرشته انس برای بهبود موقعیت زن در ایران می طلبد، اصلاحاتی هستند نه چندان اساسی، اغلب تصنعی و نسبتاً بلا تأثیر در رهایی زنان ... اصلاح طلبی پروین بسیار محافظه کارانه و سنتی است ... پروین صادقانه با ریا و بی عدالتی و ظلم اجتماعی و بسیاری عوارض دیگر دائماً در نبرد بود» (دهباشی، 1370: 279، 280 و 284).

در تحلیل درون مایه های سیاسی اجتماعی شعر پروین اعتصامی، سوزان ندیمی نیز ضمن تأکید بر این نکته که پروین از موضع گیری سیاسی اجتناب می ورزید، از اعتراض و مبارزه و مراقبت او نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی یاد می کند. به نوشته ندیمی، «پروین بیش از آنکه در اولین نظر می توان تشخیص داد، مراقب جریان ها و مسائل سیاسی و اجتماعی کشور بوده است. اگر پرده را از رمز قصه ها اندکی عقب بزنیم و به جای اشیا و جانوران و روابط گفتگوهاشان شخصیت های فرمانروای روز و جبر حکومت و واقعیت حوادث جاری گذارده شود، در وجود پروین، انسانی دیگر یا لااقل جنبه های دیگری کشف خواهد شد که تا کنون دیده نشده است. آنچه مسلم است او از مواضع سیاسی زمان خود را دور نگه داشت و بدان ها آلوده نساخت. اما درست نیست معتقد شویم که از گرفتاریهای سیاسی هم وطنان غافل بوده است. سکوت او را می توان نوعی اعتراض به رژیم تعبیر کرد که با امتناع از مدح و ستایش شاه و اصلاحات او تأیید می گردد. پروین به روش های گوناگون اعتراض خود را بیان می داشت. او از تمثیل و رمز و افسانه های ادبیات فارسی سود می جست و با اشاره و استعاره به مشکلات اجتماعی، فکر خود را به خوانندگان منتقل می ساخت. اشعارش پیرامون ارزش های اساسی و انسانی مانند بزرگی، عدالت، درستی، پاکی دور می زد که درست همین کیفیت ها یا فقدان آنها در قلب مشکلات ملت قرار داشت.» (دهباشی، 1370: 481 و



482). ندیمی در ادامه می افزاید: « پروین در شعرهایش با روش خاص خویش بر ضد ظلم و استبداد مبارزه می نمود» (دهباشی، 1370: 438).

بدین سان در باب شعر پروین و آرا و اندیشه های متجلی در آن، در مجموع به سه دسته داوری و ارزیابی بر می خوریم. در دو سوی طیفی از این داوری ها، برخی پروین را سراینده ای سیاست پرداز، پیکار جو، مبارز، با مواضع و نظریات منسجم اجتماعی خوانده و اشعار او را سروده هایی سرشار از مضامین صریح انتقادی و رویکردهای آشکار انقلابی و حتی طبقاتی دانسته اند. بعضی وی را شاعری سیاست گریز، غیر انقلابی، فاقد پویایی، آرام، مردم گریز و گذشته گرا برشمرده و سروده های او را فارغ از دغدغه ها و انگیزه های سیاسی و اجتماعی خوانده اند. در میانه این طیف نیز شماری از نظریه پردازان و تحلیل گران درون مایه های شعر پروین با دیدگاهی میانه، گاه مبهم یا دوگانه و در مواردی مشخصاً متناقض، از شخصیت و اندیشه پروین و رویکردهای متجلی در سروده های او سخن گفته و احیاناً اشعار او را متفاوت یا متضمن هر دو وجه دانسته اند.

به نظر می رسد دیدگاه های افراطی و تفریطی در باب شعر و اندیشه پروین در دو سوی این طیف از داوری ها، احیاناً می تواند وجهی از شعر او و درون مایه های آن را منعکس نماید. رویکرد متعادل تر در میانه این طیف از داوریهای ناقدان نیز عمدتاً نوعی دوگانگی را در شعر پروین و اندیشه های متجلی در آن باز می تاباند. چنانکه در آغاز اشاره شد، پروین اعتصامی نه شاعری سیاست پرداز و سیاسی سرا و نه سراینده ای سیاست گریز بود بلکه او را باید شاعری متعهد خواند. این تعهد اندیشه و رویکرد پروین در سراسر اشعار او متجلی است و در هر مورد بر حسب پرداختن به مقوله ها و دغدغه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اخلاقی وی به گونه ای متناسب با آن نمود می یابد. از این رو اندیشه های سیاسی و اجتماعی پروین اعتصامی را که در بخش نخست این مقاله مختصراً به آن پرداخته شد، می توان واجد یگانگی و همسویی خواند.

## فهرست منابع

## - فارسی

- آراین پور، یحیی، (1376)، از نیما تا روزگار ما (تاریخ ادب فارسی معاصر)، چ 2، تهران، زوار.
- اسپریگینز، توماس، (1370)، فهم نظریه های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، چ 2 (ویراست دوم)، تهران، انتشارات آگاه.
- اشتراوس، لئو، (1373)، فلسفه سیاسی چیست؟ ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- اعتصامی، پروین، (1368)، دیوان پروین اعتصامی، به کوشش منوچهر مظفریان، چ 9، سری 2، تهران، انتشارات علمی و کتاب آفرین.
- -----، (1341)، دیوان قصائد و مثنویات و تمثیلات و مقطعات خانم پروین اعتصامی، چ 5، تهران، ابوالفتح اعتصامی.
- -----، (1370)، گزینه اشعار، با مقدمه و انتخاب یدالله جلالی پندری، تهران، انتشارات مروارید.
- -----، (1369)، متن کامل دیوان پروین اعتصامی، با مقدمه سیمین بهبهانی، ویرایش و تدوین متن از احمد کریمی، انتشارات یادگار.
- دلاکامپانی، کریستیان، (1382)، فلسفه سیاست در جهان معاصر، ترجمه بزرگ نادر زاد، تهران، انتشارات هرمس.
- دهباشی، علی (گردآورنده)، (1370)، یادنامه پروین اعتصامی، تهران، دنیای مادر.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم، (1377)، ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ج 2، دوران بازگشت به حکومت فردی (1304-1320)، تهران، نشر علم.
- شریعت، محمد جواد، (1362)، پروین ستاره آسمان ادب ایران، اصفهان، مؤسسه انتشاراتی مشعل.
- گوته، داوید و دیگران، (1380)، فلسفه سیاسی معاصر: دولت و جامعه، ترجمه موسیاکرمی، تهران، انتشارات طرح نو.
- میل، جان استوارت، (1363)، رساله درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، چ 3، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- همپتون، جین، (1380)، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، انتشارات طرح نو.